



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶ / ۰۷ / ۲۲

یونس نگاه

سرچیه روانید

من رسانه‌های اجتماعی پشتو و فارسی را تعقیب می‌کنم. تعجب می‌کنم که جمعی از جوانان و پیران درس‌خوانده روزها درگیر طعن‌زنی سمتی و محلی می‌شوند. طعنه‌های شرم‌آور به آدرس هلمندی‌ها و قندهاری‌ها از سوی عده‌ای از پشتون‌های شاید مشرقی‌وال حواله می‌شود و برعکس. کسانی کل بدبختی افغانستان را به قندهار و هلمند نسبت می‌دهند، دیگران برعکس ایستاد شده به مشرقی‌وال طعنه و دشنام حواله می‌کنند.

یعنی واقعاً با این حاشیه‌سازی‌های هوایی گرهی گشوده می‌شود؟ متأسفانه رسانه‌های اجتماعی فرصت چتبات‌گویی کم‌هزینه را فراهم کرده و گاهی آدم‌ها بدون هیچ حساب و کتاب خشم لحظه‌ای و باورهای خام خود را به چشم و گوش هزاران هموطن پخش می‌کنند.

در میان فارسی‌وان‌ها «استادان» و قلم‌به‌دستان (!) یگان وقت درگیر تقسیم میراث فرهنگی می‌شوند و غالمغال راه می‌اندازند که هزاره صاحب‌تر از هراتی یا بدخشی مستحق‌تر از هزاره است.

یک جمع از هموطنان هزاره ما بین تاجیک‌ها مشغول هزاره‌پالی هستند. حساب هزاره‌های سنی، و آنانی که خود آگاهند که هزاره‌اند و می‌خواهند هزاره باشند، جد است. کسی آنان را نمی‌تواند بگوید شما هزاره نیستید. اما کسانی هستند که می‌گویند تاجیک‌ایم، ولی یک وطن‌دار هزاره به‌جانش می‌چسبد که نی چشمانت بادامی است یا پدر کلان‌هایت هزاره بوده، تو حق نداری تاجیک باشی!

او وطن‌دار مگر کل هزاره‌ها از یک پدر و مادرند؟ مگر بین هزاره‌ها کم نفر داریم که اگر پدرانشان را بیالید به بلوچ و پشتون و عرب و ترک و مغل و تاجیک می‌رسند؟ آیا قومیت رابطه مستقیم خونی پدری است، و به فرهنگ و زبان و اجتماع و محل بودوباش ربطی ندارد؟ مگر کسی که پدر کلانش هزاره بوده، مادر کلانش تاجیک و مادرش تاجیک، هم‌پازی‌ها و هم‌حلقی‌هایش تاجیک و لهجه‌اش تاجیک، آیا او حق ندارد تاجیک باشد؟ مگر تاجیک‌ها ترکیبی از قبایل گوناگون نیستند که در اثر کوچکشی و جابجایی و ادغام با قبایل مجاور شکل گرفته است؟ مگر بین تاجیک‌ها آدم‌هایی با ریشه‌های عرب و مغل و ترک و پشتون و پنجابی و هندو نداریم؟ مطمئن هستید؟ اگر عرب و پشتون و هندو تاجیک شده می‌توانند، هزاره چرا نتواند؟

قومیت آن‌طوری که در پشت‌نامه‌های فرضی می‌خوانید و در محافل مذهبی و سیاسی تبلیغ می‌کنند، خونی و پدری نیست، بلکه فرهنگی و اجتماعی است، سیال و در حال دگرگونی است.

ما در جاغوری صدها خانواده با ریشه‌های شاملزی داریم با نام محلی «شاملو». آنان آدرس زمین‌های پدری‌شان در بین قبایل شاملزی را دارند و خاطره کوچکشی‌شان به جاغوری زنده است. آنان آیا اکنون هزاره نیستند؟ آیا قومای شاملزی‌شان حق دارند به جاغوری آمده برای آنان تکلیف قومی تعیین کنند؟ عده‌ای از شاملوهای جاغوری هنوز چهره پشتونی دارند، ولی بیشترشان دیگر قابل تفکیک نیستند. آنان خود را هزاره می‌گویند و چنان خلط شده‌اند که پشتون ساختن مجددشان ممکن نیست.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

در هر گوشه افغانستان و جهان همین وضعیت است. ما اگر نسبت قومی داریم، این نسبت ازلی نبوده و ابدی نخواهد بود. قوم صرفاً با خون پدری شکل نمی‌گیرد. هویت ما را بیش از آنکه خون پدری بسازد، فرهنگ و زبان و تاریخ و جغرافیای می‌سازد. قوم‌پالی بین اقوام دیگر به یک کلام عقب‌ماندگی و بی‌برنامگی است. هرکه خودش را هزاره می‌گوید هزاره است. هرکه خودش را تاجیک می‌داند و جامعه تاجیک او را از خود می‌داند، تاجیک است. ماموریت ما عبور از قومیت و رسیدن به وضعیت شهروندی است، نه راه سرچپه رفتن و تقسیم به قوم و قبیله و خیل. بحث برتری و کمتری هلمندی و قندهاری نسبت به مشرقی‌وال، یخن‌کشک پنجشیری با بدخشی، درگیری هراتی با هزاره برسر این‌که مالک اصلی فارسی کیست، در سطح بحث مستحب یا واجب بودن تعلیم است. اذیت نمی‌شوید وقتی ببینید «علما» دعوا راه بیاندازند که زن انسان کامل است یا ناقص، تعلیم فرض است یا مستحب؟ احساس بدبختی نمی‌کنید وقتی می‌چسبید به این‌که فلانی چشمانش گرد است یا بادامی تا قومش را تعیین کنید؟



آرشیف: نو یسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین